اولین برف سال



کیارنگ علایی
نویسنده و عکاس

«سه‌شنبه»، لای پتوی سفیدی از پره‌های برف، مدفون بود. برف راه زیادی را آمده بود. سیاه شده بود توی ظلمات شب، تاریک‌تاریک. سپید شده بود توی نور آسمان حرم، روشن مثل قلب پدرم. از آن راه دور مثل زائری با پاهای تاول‌زده آمده بود، نشسته بود روی آسفالت گرم شهر. پاکبانی که خیابان‌ها را جارو می‌کرد، وقتی نور چراغ ال‌ای‌دی کلاهش روی اولین برف سال افتاد، به کلی یادش رفت که قفسه سینه‌اش یک ماه است تیر می‌کشد و پولی برای رفتن به بیمارستان ندارد. آن چند ثانیه حالش خوب خوب شد، دردی نبود. پره‌های برف سریدند روی صورتش. آن‌ها در تلألوی نور ال‌ای‌دی، بزرگ‌تر از واقعیتشان دیده می‌شدند و بعد ریزریز پخش می‌شدند روی زمین خشک محله سراب. برف در محله سراب مشهد، چیز دیگری است و با برفی که در جلال آل احمد می‌بارد، متفاوت است. حداقلش این است که مردم سراب وقتی می‌فهمند شانه‌هایشان دارد خیس می‌شود، قدم‌هایشان را تند نمی‌کنند و برای رفتن به خانه، عجله‌ای ندارند. من آنجا دیده‌ام بعضی‌هاشان حتی چترهایشان را هم باز نمی‌کنند. اما بالای شهر، داستان دیگری دارد؛ به محض اینکه برف می‌بارد، آدم‌ها سرعتشان را زیاد می‌کنند. قدم‌هایشان را طوری روی زمین می‌گذارند، انگار که اولین تماسشان باسطح کره‌ای ناشناخته است. کیفشان را بالای سرشان می‌گیرند و سریع می‌چپند داخل خانه‌هایشان.

در اولین برف سال بود که وقتی پدر، نان‌های سنگک شاطر ندیم را به دستم سپرد، دیدم چند پره برف روی بدن نیمه‌جان نان‌ها تقلا می‌کنند، تاب می‌آورند و شبنمشان را می‌آورند قاتی رطوبت سفره آشپرخانه؛ یادگار پدربزرگ از سفر تبریز با کلی مجمعه و سینی مسی که به‌دقت روی آن چیده می‌شد و وقتی دورش می‌نشستیم، یاد خورشخانه‌های صفوی می‌افتادیم. شاطر ندیم از اول در سراب به دنیا آمده بود، در سراب بزرگ شده بود و در سراب هم مرد. اگر فقط ۵۰ سال دیرتر به دنیا آمده بود، به‌دلیل سل نمی‌مرد و علم پزشکی برای کنترلش، درمانی پیدا کرده بود. در این صورت به‌جای آنکه بگویند نفرین کسی باعث بروز سل در ندیم شده است، او می‌توانست با خیال راحت، صدها قرص دیگر نان دست سرابی‌ها بدهد. آدم‌های سراب شبیه هیچ‌جا نبودند. من در خیابان جلال آل احمد که راه می‌روم، بی‌آنکه نشانی از عصیان و تواضع آل احمد پیدا کنم، کلی «ارمیا» و «آندریا» پیدا می‌کنم که توی سجاد دنیا آمده‌اند. آمده‌اند به جلال و بعد می‌روند جزیره لسوس و از آنجا خودشان را می‌اندازند توی دریای اژه تا پناهی، جایی، چیزی پیدا کنند برای زندگی جدیدشان. شما هیچ شاطری را دیده‌اید که اسمش ارمیا باشد؟ اسم‌ها با خودشان سرنوشت محتومی را می‌آورند و مثل بختک می‌افتند روی زندگی شما.

برف باشبنمی که به بدن پلاستیکی سفره چسبید، به خانه ما آمد. بابا گفت: «بیچاره محمود! با آن لگن شکسته چطور توی این برف سر کار می‌رود؟» محمود، همسایه چپی بود ولی همیشه راست‌راست بود؛ مثل پره‌های برف. آخرسر هم استئوپروز جانش را گرفت. کاش کسی بود که به او شیر گرم تعارف کند!

اولین برف شهر که نشست، من و مامان بزرگ دراز کشیدیم کنار بخاری. توی لوله، توی دیوار و زیر سقف، صدای موهومی از برخورد پره‌های برف می‌آمد که قاتی شعر خواندن مامان بزرگ، به یک لالایی آرام برایم بدل می‌شد. مامان بزرگ از توی کتاب «عباسعلی سپاهی یونسی» خواند: «کی به‌فکر گربه‌ها هست توی این شب‌های پربرف؟ / وقت تنهایی و غصه، کی با گربه می‌زنه حرف؟ // کی به او وقتی مریض است، می‌دهد یک شام ساده؟ / کی دعا کرده برایش که خدا، جانم شفا ده؟ // هی تعارف‌های خالی بین ما و بین پیشی / می‌شود یک روز خسته، دیگر از این قوم و خویشی // »

توی اولین برف شهر، گربه پیر قصاب محله، تلف شد و کسی هم نفهمید. توی هیچ آماری هم نیاوردندش، حتی نعشش را هم پیدا نکردند. آخر، گربه‌ها وقت بحران، می‌روند یک جا، خودشان را گم‌وگور می‌کنند تا راحت بمیرند. این‌طوری بود که من هیچ‌وقت نفهمیدم اولین برف سال، خوش‌یمن است یا نه.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

زین قند پارسی

پرسش

چرا گرام غلط است؟ می‌گویند «ی» نسبی است و درست است.

پاسخ

«گرام» واژه‌ای فرانسوی است که ترکیب‌هایی مانند: تلگرام، فتوگرام، اینستاگرام و... از آن ساخته شده است و ربطی به «گرامی» ندارد. بنابراین، باید به جای «سروران گرام» نوشت: «سروران گرامی».

نکته: البته احتمال دارد واژه عربی «کرام» به معنای بزرگواران که جمع «کریم» است، موجب این شباهت و اشتباه شده باشد.

#زین_قند_پارسی

تاریخ‌نگار

۰۴ آذر ۱۳۶۷

قتل نخستین وزیر بهداشت پس از انقلاب اسلامی



رضا سلیمان نوری

یکی از موضوعاتی که دولت در سال‌های اخیر در حوزه بهداشت و درمان بدان اهمیت ویژه‌ای داده است و اجرای آن را جزو افتخارات خود می‌داند، بیمه سلامت است. اما بد نیست بدانید که این طرح، نسخه به‌روزشده طرح «طب ملی» دکتر کاظم سامی، نخستین وزیر بهداشت پس از انقلاب اسلامی، است. کاظم سامی که با داشتن مدرک دکتری تخصصی روان‌پزشکی در دولت موقت مهندس بازرگان، سکان اداره وزارت بهداری را در دست داشت، بیست‌وسوم تیر ۱۳۵۸ این طرح را در اجتماع مدیران بهداری‌های سراسر کشور در زادگاهش مشهد رونمایی کرد و توضیح داد که به موجب آن، هزینه دکتر، دارو و درمان همه ایرانیان را دولت تأمین می‌کند. این طرح، مراجعه داوطلبانه مردم به مطب خصوصی پزشکان را در ساعات غیراداری منع نمی‌کرد. البته این طرح نه تنها اجرا نشد، بلکه همراهی نکردن دولت موقت با آن، باعث شد که دکتر سامی از حضور در دولت استعفا کند و این استعفا را هم در روز ۸ آبان ۱۳۵۸ مهندس بازرگان پذیرفت. البته استعفا، پایان فعالیت‌های دکتر سامی در عرصه اجتماعی و سیاسی نبود. او که اصول اولیه سیاست را نزد استاد محمدتقی شریعتی در کانون نشر حقایق دینی آموخته بود و دوست دوران جوانی دکتر علی شریعتی بود، برای اجرای تفکرات خود در سطح جامعه، نامزد نخستین دوره ریاست جمهوری شد و چون رای نیاورد، در کارزار انتخاباتی نخستین دوره مجلس شورای اسلامی شرکت کرد که البته این بار با کسب آرای مورد نیاز توانست به‌عنوان نماینده مردم تهران، وارد مجلس شود. دکتر سامی پس از پایان دوره نخست مجلس شورای اسلامی از صحنه فعالیت‌های علنی سیاسی کنار کشید و ضمن پرداختن به رشته تخصصی خود یعنی روان‌پزشکی به فعالیت‌های اجتماعی عام‌المنفعه روی آورد تا شاید بدین گونه اندیشه‌های اجتماعی خود را در سطحی کوچک اجرایی کند. امری که با درگذشت نابهنگام او در روز ۴ آذر ۱۳۶۷ ناتمام ماند. البته این درگذشت، واقعه‌ای عادی نبود، زیرا دو روز قبل از آن در آخرین ساعات روز کاری، فردی با نام غلام همتی که برای معالجه به مطب دکتر سامی مراجعه کرده بود، با سلاح سرد به وی حمله و ضرباتی چند به سر و بدن او وارد کرده بود. ضرباتی که باعث فوت دکتر کاظم سامی در ۵۴ سالگی شد. البته هیچ‌گاه دلیل اصلی این سوءقصد مشخص نشد، زیرا بنا بر اطلاعات ثبت‌شده در این پرونده، قاتل او که در اصل محمود جلیلیان نام داشت و کارمند اخراجی سازمان هلال احمر بود، چند روز بعد در یکی از گرمابه‌های اهواز، خودکشی کرد تا دلیل قتل نخستین وزیر بهداری پس از انقلاب، رازی سربه‌مهر باقی بماند.

حدیث روز

میوه شتاب، لغزش است.

امام علی(ع)

رطوبت هوا ۸۵٪

صبح ۳° | ظهر ۷° | عصر ۲° | شب ۲°

۸° ↑ -۲° ↓

اذان ظهر ۱۱:۱۹ | غروب آفتاب ۱۶:۱۷ | اذان مغرب ۱۶:۳۸

نیمه شب شرعی ۲۲:۳۴ | اذان صبح فردا ۴:۵۰ | طلوع آفتاب فردا ۶:۱۹

روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
۰۴ ۰۹ ۹۹
سه‌شنبه
۲۴ صفحه+۸ صفحه+۴ صفحه ورزشی
+۴ صفحه لینک + ۸ صفحه شهرآرا محله
شماره ۳۲۵۷ | ۱۰۰۰ تومان
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای
Photoshahr.ir



روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
چاپ: شهر چاپ خراسان

«مسی» پراید سوار می‌شود؟

کاربران فضای مجازی به خبر صادرات پراید به اسپانیا واکنش نشان دادند

ارژنگ حاتمی
a.hatami@shahraranews.ir

سوژه روز

«ایران، پراید به اسپانیا صادر کرد»، این تیتر، این روزها یکی از خبرهای پربازدید سایت‌ها به‌شمار می‌آید. تیتری که در نگاه اول این ذهنیت را به مخاطب القا می‌کند که بعد از وارد شدن به صفحه شرح خبر، به احتمال قوی با یک متن طنز روبه‌رو خواهد شد. اما این گونه نیست و واقعا تیتر یک خبر است. در شرح این خبر که منبع آن خبرگزاری ایسناست، آمده است: «اعلام مسئولان گمرک ایران از این حکایت دارد که ایران در سال گذشته بیش از ۵/۷ میلیون دلار صادرات خودرو داشته و اسپانیا از جمله مقصدهای این صادرات بوده که بیشترین تنوع خودرویی به آن صادر شده است.» و در ادامه خبر آمده است: «بیشترین تنوع صادرات خودرویی با خودروهای تیبا، ساینا، کوئیک، وانت آریسان، پژوپارس، پراید ۱۳۱ و رهام به مقصد اسپانیا تعلق دارد.»

● همان‌طور که پیش‌بینی شدنی بود، این خبر با واکنش‌های بسیاری از سوی کاربران روبه‌رو شد و البته بیشتر این کاربران به آن، از زاویه طنز و شوخی نگاه کردند. از جمله کاربری که نوشت: «احتمالا اسپانیا، پرایدها رو برای کارتون خواب‌هاش خریده که دیگه توی خیابون نخوابند و توی پراید بخوابن!» یا کاربر دیگری که به طنز نوشت: «احتمالا چند نمونه بردن سر جاده‌ها روی داربست بذارن و یه خرده هم سس گوجه بریزن روش تا درس عبرتی باشه برای رانندگانی که پرخطر رانندگی می‌کنن!» یا کاربر دیگری که در طنزی تلخ نوشت: «احتمالا اسپانیایی خواسته جمعیتش رو کنترل کنه، کلی فکر کرده و به این نتیجه رسیده به مردمش پراید بده!» کاربر دیگری هم نوشته بود: «احتمالا مسی وقتی بخواد بره سر تمرین بارسلونا، از پراید استفاده کنه!»

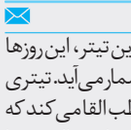


● برخی دیگر از کاربران نیز به این خبر با شک و تردید نگاه کردند و صحت آن را زیر سوال بردند. کاربری در این زمینه نوشت: «همش سندسازیه. مشخصه که آمار درستی نیست. با عقل جور درنمیاد!» یا کاربر دیگری که نظری به این شرح داشت: «عکس بذارید اگه راست می‌گید. با خریداران اسپانیایی این محصول مصاحبه کنید، اگه راست می‌گید!»

● برخی دیگر از کاربران نیز فارغ از نگاه طنز یا غیرواقعی دانستن خبر، اقدام به تحلیل‌هایی شخصی در این مورد کرده‌اند. کاربری نوشته است: «جنس بهتر صادراتی، بنجل مال مردم خودمون! حتما اون پرایدهایی که صادر می‌شن، کیفیت بهتری دارند!» یا کاربری که ادعای عجیبی را مطرح کرده است: «نشه جریان صادرات خودروی سنگین روسیه به ژاپن. ژاپن از روسیه خودروی سنگین وارد می‌کرد و بعدش اون‌ها رو ذوب می‌کرد و از آلیاژ خودروها استفاده می‌کرد؛ چون به‌صرفه‌تر از واردات آلیاژ خالص بود.... ژاپنی‌ها می‌گفتن که خودروهای روسی فقط به درد ذوب شدن می‌خورند!»

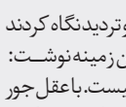
● به‌سختی نظری از سوی کاربرانی می‌توانستیم پیدا کنیم که با نگاهی مثبت به این خبر نگاه کرده باشند. در پایان، توجه شما را به خواندن نظر یک کاربر گرامی جلب می‌کنیم؛ کاربری که دیگران را که به‌شوخی و طنز به این قضیه واکنش نشان داده بودند، خطاب قرار داده است: «شماها چقدر بی‌انصاف هستید! همان کشورهای ژاپن و ایتالیا و... خودروهایی دارند که از پراید کوچک‌تر و ناایمن‌تر است. چرا شماها به‌جای اینکه از صادر شدن پراید خوشحال باشید، همه چیز را به مسخره گرفته‌اید؟ این رفتار شماها جای تاسف بسیار دارد.»

Tweets



مجید افشاری | کمدین

دوستان دقت کنن هشتگ #در_خانه_بمانید نیستا!! هشتگ #در_خانه_بمانیم



هیوا یوسفی | روزنامه‌نگار

سفارت کره‌جنوبی کی آشنا داره؟ یه شارژر موبایل سامسونگ می‌خوام که یه‌هفته‌ای خراب نشه!

چند می‌گیری اطلاعات بدی؟

یک شرکت ثالث، اطلاعات کاربران یک نرم‌افزار اسلامی را به پنتاگون فروخته است

محبوبه عظیم‌زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

روایت روز

چند روزی است که خبر سوءاستفاده وزارت دفاع آمریکا از اطلاعات شخصی کاربران مسلمانِ یکی از نرم‌افزارهای اسلامی، دارد در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود. آن گونه که در خبرها آمده است، پنتاگون اطلاعات شخصی ۹۸ میلیون کاربر نرم‌افزاری به نام «مسلمان‌پرو» یا Muslim Pro را که یک کارآفرین فرانسوی در سنگاپور راه‌اندازی کرده، خریده است. نکته جالب اینکه هدف خود را از این سرک کشیدن در حریم شخصی کاربران، مقابله با تهدیدهای اسلام‌گرایی افراطی بیان کرده است، حتی اگر همین الان در گوشی هوشمند خود به فروشگاه گوگل بروید و بخواهید این نرم‌افزار را دانلود کنید، این نکته به شما گوشزد می‌شود که: «برنامه‌های نرم‌افزاری این آپ، اطلاعات مسلمانان را به ارتش ایالات متحده می‌فروشد، مواظب باشید.» گویا آمریکا این اطلاعات را از یک شرکت ثالث خریداری کرده است به نام X-Mode. شرکتی که امنیت سایبری را یکی از شعارها و محورهای اصلی خودش، انتخاب کرده است. البته شرکت‌های فعال در زمینه داده‌های مکان‌یابی، ادعا می‌کنند که مکان و مسیر جغرافیایی ثبت‌شده افرادی که از این نرم‌افزارها استفاده می‌کنند، ارتباط مستقیمی با اطلاعات شخصی آنان ندارد و داده‌های جغرافیایی به‌صورت ناشناس ظاهر می‌شود، با این حال تحقیقاتی که در گذشته در همین مورد صورت گرفته است، می‌گوید حتی در صورت ناشناس ظاهر شدن، به‌راحتی می‌توان اطلاعات ثبت‌شده را با مشخصات صاحبان آن تطبیق داد و به هویت آن‌ها پی برد. بد نیست بدانید این اولین مرتبه‌ای نیست که آمریکا با چنین ترسی دست به چنین اقدامی می‌زند و به‌دنبال این است که با ردیابی کاربران در فضای مجازی، داده‌ها و داشته‌های خود را بیشتر و بیشتر کند. آمریکا پیش از این هم داده‌های یک نرم‌افزار مسلمان‌محور دیگر به نام Muslim Mingle را که نرم‌افزار دوست‌یابی مسلمانان شناخته می‌شود، خریداری کرده بود. نرم‌افزاری که آن‌هم در زمره نرم‌افزارهای پرکاربرد محسوب می‌شود و دانلود بیشتر از ۱۰۰ هزار مرتبه آن، بیانگر همین نکته است. درکنار صحبت‌هایی که این روزها درباره این مسئله می‌شود، هرازگاهی حرف‌وحدیث‌های دیگری با شکل‌وشمایل دیگر به بیرون درز پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال مدتی قبل مشخص شده بود که پلیس فدرال آمریکا از داده‌های مسیریابی برای تعقیب مهاجران غیرقانونی به آمریکا استفاده می‌کند یا اینکه در ماه آوریل، نهاد فرماندهی عملیات مخصوص آمریکا، ۹۰ هزار دلار برای خرید اطلاعات مکان‌یابی از شرکتی به نام Bable Street هزینه کرده بود.

استانداردهای سختی داریم اما در سیاست‌هایمان، تجدیدنظر می‌کنیم

آمارها می‌گوید تاکنون حدود ۵۰ میلیون نفر در ۲۰۰ کشور این نرم‌افزار را روی اندروید و ۹۸ میلیون نفر دیگر روی پلت‌فرم آی اواس دانلود کرده‌اند. آن گونه که شرکت سازنده نرم‌افزار گفته است، «مسلمان‌پرو» محبوب‌ترین نرم‌افزار جهان اسلام است و جمع کثیر کاربرانی که از آن استفاده می‌کنند، خود گواهی است بر این ادعا. مسلمان‌پرو یکی از نرم‌افزارهای برتر موجود با محوریت سبک زندگی است که خدماتی مثل اعلام زمان اذان، کمک به تشخیص جهت قبله در موقعیت‌های مختلف و دسترسی به همه سوره‌های قرآن کریم در آن وجود دارد. این نرم‌افزار در سال ۲۰۱۱ منتشر شد و آخرین به‌روزرسانی‌اش هم در همین سال ۲۰۲۰ بوده که حسابی آن را تکمیل‌تر کرده است و جدای از این سه محور اصلی، امکانات جانبی و جزئی بیشتری را در قالب یک بسته کامل مذهبی در اختیار کاربرانش قرار می‌دهد و همین هم دلیل محبوبیت آن است. حالا، حرف‌وحدیث‌هایی که به‌دنبال افشای این جاسوسی و سوءاستفاده از داده‌های کاربران به بیرون درز پیدا کرده، پای مدیرعامل سازنده نرم‌افزار را هم به میان کشیده و باعث شده است در برابر این قضیه موضع‌گیری کند و لب به سخن بگشاید. او شرکتش را از این اتفاق مبرا دانسته و اعلام کرده است: «این شرکت اطلاعات کاربران را به ارتش آمریکا نفروخته است و از سختگیرانه‌ترین استانداردهای حفظ حریم خصوصی کاربران پیروی می‌کند.» با این حال برای خاطرجمعی بیشتر، اعلام کرده است که با هدف جلوگیری از درز اطلاعات کاربرانش، تغییراتی در نرم‌افزار خواهد داد و در سیاست‌های امنیتی خود تجدیدنظر می‌کند.

کارتون شهر



قیمت مرغ در تعقیب گوشت قرمز!

علیرضا پاکدل

نگاه هشتم

مرز باریک دست‌گیری و «دستگیری»

غلامرضا بنی اسدی

صاحب سخن را نمی‌شناسم اما سخنش را باید بر جان نوشت به خطی قیمتی‌تر از طلا: «زنده بودن حرکتی است افقی، از گهواره تا گور. اما زندگی کردن حرکتی است عمودی، از فرش تا عرش. زندگی تداوم بی‌نهایت اکنون‌هاست.» این سخن برای من نقش حدیث را داشت در نوشدن نگاه به زندگی. از دریچه این کلام، دیدن دنیا یک جور دیگر است. می‌توان فراوان آدم‌هایی را دید که روی یک خط ممتد حرکت می‌کنند بدون اینکه خود، امتداد داشته باشند. افرادی که گردش لیل و نهار، نهاد جانشان را -که می‌بایست ناآرام و نوخواه باشد- به قراری یکنواخت رسانده است. آنان را از «روزمرگی» به «روزمژگی» رسانده است. به مردن لحظات و روزها عادتشان داده است. گویی هیچ بعثتی در آنان اتفاق نمی‌افتد. اما هستند در همین میان، انسان‌های بزرگی که بر خویش امیرند و بر عالم، عمود. امروزشان پلکان فرداست، چنان که دیروزشان نسبت به امروز چنین بود. اینان سر در آسمان دارند و راهشان را به‌سوی عرش می‌پیمایند. این سلوک، رسم بندگی و تکلیف همه ماست. حتما توجه داریم که ماموریت ما در زندگی «بی‌مشکل زیستن» نیست، «باانگیزه زیستن» است. انگیزه‌ای الهی که ما را به بزرگی برساند. هر مشکل و سختی و مصیبت را باید مرحله‌ای از امتحان دانست که چون با موفقیت به آخر رسد، ما را در آغازی دیگر قرار می‌دهد. در هر آغاز و در هر نوشوندگی باید دلداری کرد و مراقب بود شکست دلی را به حساب ما ننویسند. با مردم به تعامل باشیم و به‌هم کمک کنیم اما هیچ‌گاه افراد را شکل نزدبان نبینیم و پای بر آن‌ها نگذاریم. مرز باریک دست‌گیری و مچ‌گیری را به یاد داشته باشیم و بدانیم که خدا مردمان دست‌گیر را فراوان دوست دارد و دست می‌گیرد اما با مچ‌گیران میانه‌ای ندارد.

کیوسک



شنبه هفته جاری بود که روزنامه مردم‌سالاری، طرحی از آرش فروغی را بدون اجازه او در صفحه نخست خود منتشر کرد. این در حالی بود که این طرح پیش از این توسط فرهیختگان سفارش داده شده بود و مرداد ماه امسال هم در این روزنامه منتشر شده بود. سرانجام پس از حاشیه‌های به‌وجود آمده پیرامون این رخداد، دیروز بود که مصطفی کواکبیان، مدیر روزنامه مردم‌سالاری از آرش فروغی عذرخواهی کرد و ماجرا ختم به خیر شد.

ضرب‌المثل

آب پاکی را روی دستش ریخت

یعنی ناامید کردن کسی

مجله عصر شهرآرا هجده شصت

برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید

